

برگرفته از نشریه آلمان: J.W

برگردان: ح. حارث

از افغانستان خارج شوید

اعلام شرح وقایع یک شکست،

از مدت ها بدینسو قواء ناتو در افغانستان از لحاظ نظامی به شکست مواجه اند، تعداد سربازان افزایش مییابد و امنیت در کشور بهبود نمی یابد. بیش از هفتاد هزار سرباز قوای ائتلاف خارج از محدوده قرارگاه های نظامی در این کشور جا به جا گردیده اند. اعتراف به شکست باحملات شدید نظامی، تقویه و گسترش قواء نظامی به تعویق انداخته میشود. پرسشی که امروز مطرح میکنند پیروزی نظامی نی بلکه چند هزار سرباز کمکی دیگر به این کشور فرستاد و چند میلیارد پول مالیه دیگر را برای این جنگ به مصرف رسانید. علاوه برآن چی تعداد افراد بیگناه باید زنده گی خود را به خاطر بی توجهی رهبران سیاسی ناتو از دست بدهند، تا رهبران ناتو بالاخر شکست خود را در هندوکش بپذیرند.

کشور آلمان با تعداد ۳۵۰۰ سرباز جای سنگینی در قوای ایساف (ISAF) دارد. کشور های ایالات متحده امریکا، انگلستان و فرانسه در ماه های اخیر قوای خود را تقویه نمودند. قوای آلمان از هفت سال بدینسو شریک جنگ بوده و در افغانستان حضور دارند. تاکنون ۲۸ سرباز و ۳ پلیس آلمان جان خود را از دست داده اند.

حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویارک و واشنگتن یک تراژیدی بود برای قربانیان و فامیلهای شان. اما برای بخشی از اداره ایالات متحده این فاجعه شانس بزرگی بود. هنری کسنجر که در آنزمان مشاور رییس جمهور جورج دبلیو بوش بود به صورت عاجل پس از ۱۱ سپتامبر جنگ علیه افغانستان را فورمول بندی نمود، که از ماه ها قبل در کَشو میز

پنتاگون قرار داشت و اکنون باید شامل اجنداء سیاسی میگردید. نظامیان ایالات متحده با عساکر انگلیسی به تاریخ ۷ اکتوبر سال ۲۰۰۱ جنگ علیه افغانستان را آغاز نمودند. که آن را عملیات آزادی پایدار (Operation Enduring Freedom) (OEF) نامگذاری نمودند. که بعداً آهسته، آهسته این عملیات خشن نظامی، ائتلاف جهانی را باعث گردید. صدراعظم پیشین آلمان «گردهارشرودر» به صورت عاجل همبسته گی کامل خود را اعلام داشت. آغاز ماه نوامبر در میان پیروزی ها و گزارش های وحشتناک از جنگ در افغانستان، «گرد هار شرودر» برای حکومت سرخها و سبزها لیستی را با پنج سفارش ایالات متحده پیشکش نمود: زره پوش های ردیاب ABC، سرباز برای انتقال زخمی ها، صد سرباز نیروهای خاص کوماند و (KSK)، (Kommandos Spezialkräfte) ظرفیت های انتقالات هوایی و بالآخر واحد های دریایی. در مجموع ایالات متحده از آلمان تقاضای ۳۵۰۰ سرباز برای جنگ علیه تروریسم را نمود. در نشست های پارلمان بالای هبسته گی آلمان تأکید صورت گرفت. تصمیم مشخص در مورد شامل شدن در «OEF» در ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۱ به خاطر حضور آلمان در منطقه آسیای میانه که اهمیت جیوستراتژیک دارد، گرفته شد. و بالآخر پارلمان آلمان اشتراک قوای آلمان در «OEF» را تصویب نمود و هم فیصله به عمل آمد که سربازان آلمان تروریست ها را تعقیب، دستگیر و به محاکمه بکشانند. این پرسش که سربازان آلمان چگونه با زندانیان برخورد نمایند پاسخ لازم با مسؤولیت سیاسی داده نشد. این مسئله برای سربازان آلمانی تا اکنون جنجال بر انگیز است. در زمان تسلیمدهی زندانیان به سربازان امریکایی نمیتوان غافل بود که دستگیر شده گان را جزای مرگ تهدید میکند. همچنان مسئله حساس و جنجال بر انگیز دیگر ایجاد فضای دست باز ایالات متحده در زندان گوانتانامو بوده که سربازان را بدون اعتراض و خلاف اصول و مقررات بین المللی محاکمه مینمایند. دستور تسلیمدهی در آلمان هر سال تمدید میگردد، بار اخیر در ۱۵ فبروری سال ۲۰۰۷.

صدر اعظم قبلی آلمان «گرهارد شرودر» مسئله اعزام نیرو به افغانستان را با رأی اعتماد خود در پارلمان پیوند داد که در نتیجه با یک رأی اعتماد بیشتر، اکثریت سرخها و سبزها مؤتلفین حکومت، اعزام نیروها در جنگ را به تصویب رسانیدند.

به زودی یک واحد مقدم کومان‌دو (KSK) به سوی مسیرا (عمان) فرستاده شد. تا برای جنگ در افغانستان تمرین کنند. ۵ سال بعد تصاویری از این تمرینها در انظار عامه گذاشته شد. سربازان در واسطه های نقلیهٔ خویش بجای نشان ارتش آلمان نخل (palma) را که «رومل» (جنرال رژیم هتلر) در سپاه افریقا بکار میگرفت با صلیب شکسته استفاده نمودند.

بتاریخ ۲۱ دسامبر شورای امنیت ملل متحد با تکیه بر فصل هفتم منشور ملل متحد حضور قوای خارجی در کابل را به تصویب رسانید که «ایساف» «International Security Assistance Force» (ISAF) نامیده شد. یکروز پس از آن اکثریت اعضای پارلمان آلمان اعزام ۱۲۰۰ سرباز را برای مدت ۶ ماه در ترکیب «ایساف» به تصویب رسانیدند.

۲ جنوری سال ۲۰۰۲ اولین بار سربازان آلمان از شرایط عملیات «ایساف» در کابل اطلاع حاصل نمودند. همزمان در اولین روز ماه جنوری برای افراد «KSK» وظیفهٔ کنترل زندان میدان هوایی قندهار سپرده شد. این مصادف شد با ربودن «مراد کورناس» ترکی الاصل که در آلمان تولد و بزرگ شده است. کورناس چندین سال در گوانتانامو نگهداری شد. اذیت و شکنجه که توسط سربازان «KSK» شده بود، وی پس از سالها بیان داشت. نخستین بار در جنوری سال ۲۰۰۷ رسیده گی در مورد شکنجه و آزار وی توسط افراد نیروهای مسلح آلمان آغاز گردید. ولی بسیاری از اسناد عملیات نیروهای «KSK» ناپدید و یا هم عمداً محو گردید. کار کمیسیونهای بررسی در پارلمان آلمان بی نتیجه به پایان رسید، و واضح نگردید که در آنزمان در قندهار چه اتفاق افتاد. زیرا کنترل پارلمانی لازم بالای «KSK» در پارلمان آلمان وجود ندارد.

زمانیکه سربازان «KSK» در جنوب افغانستان بخش از ماشین جنگی را بی رحمانه هدایت میکردند و مسؤول قتل تعداد زیاد اهالی ملکی میگرددند، وظایف سربازان آلمانی در قوای «ایساف» چنین فورمولبندی گردید: با حضور در کابل به گزومه و پاسداری بپردازید و روند تحقق نشست «پیترزبورگ» را بخاطر دموکراتیزه کردن افغانستان همراهی نمایید. چنین بود وظایف سیاسی قوای آلمان در افغانستان.

در زمان پاسداری لویه جرگه در ماه جون سال ۲۰۰۲ ضرورت به پرسونل بیشتر و وظایف جدیدی برای قوای آلمان داده شد. در ۱۴ جون تعداد سر بازان به ۱۴۰۰ نفر افزایش یافت، همزمان درین لویه جرگه شخص قابل اعتماد ایالات متحده «حامدکرزی» طوریکه انتظار میرفت به صفت رییس جمهور انتخاب شد. در جریان رأی دهی، تعداد رأی بیشتر از تعداد واجد رأی دهنده گان بود اما این امر برای قوای ائتلاف اهمیتی نداشت. حضور قوای آلمان بار اول برای یک ونیم سال و بعداً بتاریخ ۲۰ دسامبر برای ۱۲ ماه تمدید گردید و تعداد سربازان به ۲۵۰۰ نفر افزایش یافت و مسؤولیت رهبری «ایساف» بدوش آلمان گذاشته شد.

بتاریخ ۲۰ فبروری قوای آلمان قوماندانی ایساف را بدوش گرفت. در جنوب کشور اوضاع نسبی آرام بود زیرا ایالات متحده تقریباً همه نیروهای خاص خود را از آن منطقه بیرون و به عراق انتقال داد تا به جنگ عراق خلاف تمام موازین حقوق بین المللی ادامه بدهد. «KSK» در افغانستان باقی ماند.

بتاریخ ۱۶ می صدراعظم آلمان در ملاقاتی که با «کولین پاول» وزیر خارجه پیشین ایالات متحده داشت اعلام نمود که ارسال قوای ایساف از محدوده کابل در نقاط دیگر افغانستان امتحان گردد. در اواسط ماه جولای وزیر خارجه پیشین آلمان «فیشر» در بازدید خود از واشنگتن از تعهدات بیشتر آلمان در افغانستان سخن گفت.

در ماه اگست این مسئله قوت گرفت که قوای آلمان در شمال افغانستان حضور میابند و «گرهارد شرودر» حضور قوای آلمان در شمال افغانستان را بتاریخ ۲۷ اگست رسماً اعلام داشت.

گسترش خدمات نظامی باید مانند همکاریهای نظامی - ملکی سازماندهی گردد. در تیمهای باز سازی منطقوی (Provincial Reconstruction Teams) تا امروز تلاش صورت میگیرد تا در قلب و روان افغانها نفوذ نمایند. علیه این سو استفاده ها سازمانهای کاریتاس (caritas) و «دیباکن» اعتراض نمودند. آنها حق به جانب اند که کمکهای انسانی از طریق خدمات نظامی خطر جدی را متوجه نیروهای کمکی ملکی میسازد.

نماینده گان پارلمان بدون در نظر داشت این مسئله بتاريخ ۲۴ اکتوبر خدمت در ایساف را دوباره تمديد و اعزام ۲۳۰ سرباز ديگر را به كندز به تصويب رسانيدند.

۶ جنوري سال ۲۰۰۴ قواي «ايساف» پُست هاي خود را در بيرون از كندز نيز ايجاد كرد. تلاش در جهت نزديك شدن وظيفي «ISAF» و «OEF» صورت گرفت. حضور نيروهاي آلمان در كندز توسعه يافت و با تجهيز عناصر فعاليتهاي تهاجمي مانند: قواي پراشوت، وسايط زرهی، قابليت محاربوي آنها را بلند برد. تعداد سربازان آلمان طی همان سال به بیش از ۴۵۰ نفر رسيد. بر علاوه كندز در ولايت بدخشان شهر فيض آباد نيز قرار گاه آنها ساخته شد پس از آن قواي آلمان، متحدين آنها و كارمندان آنها هدف حملات قرار گرفتند، وضع امنيتي بخصوص در كندز خرابتر گرديد. همچنان كارمندان سازمانهاي كمكي نيز مورد حملات شديد قرار گرفتند.

۲ جون ۵ كارمند « دوكتوران بدون مرز» به قتل رسيدند. اين سازمانها كه مدت ۲۵ سال (از زمان حضور نيروهاي اتحادشوروي تا حاكميت طالبان) مصروف كار بودند، از منطقه خارج گرديدند.

در ماه جنوري سال ۲۰۰۵ براي واحد هاي «KSK» وظيفه مبارزه عليه مواد مخدر نيز داده شد. براي عمليات آنها منطقه مشخص و مأموريت «نيروهاي دشمن را نابود سازيد» نيز سپرده شد. در نتيجه «KSK» خود نيز تلفاتي را متحمل گرديدند. وزارت دفاع آلمان در مورد تا كنون سكوت اختيار نموده است.

براي نخستين بار برید جنرال آلمانی برند کشییر (Bernd Kiesheyer) قوماندان بخش منطقوی شمال افغانستان تعیین گردید. مأموریت وی را هماهنگی همکاری های نظامی – ملکی در سراسر شمال کشور تشکیل میداد.

ادامه دارد

02102008

www.ayenda.org